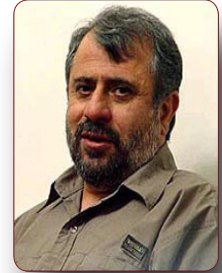


معرفت شناسی قرآن

SCO

کانون آرمان شریعتی

SCO1385@Gmail.com



مسن یوسفی اشکوری

شماره مقاله : ۱۰۲۱

تعداد صفحه : ۷

آفرین بررسی : ۸۷/۱۲

تاریخ تمریر : ۱۳۸۴

www.shandel.org

موضوع : بمثی پیرامون وثاقت تاریخی و تمریر و یا عدم تمریر قرآن

معرفت شناسی قرآن

جلسه اول - ۶ مهر ۸۴

موضوع این سلسله گفتارها "معرفت شناسی" (هرمنوتیک) قرآن است. هدف، طرح یک سلسله مسائل و یا پرسش‌هایی است که لازم است پیش از ورود به متن قرآن و تفسیر آن، به آنها توجه شود و پرسش‌ها، پاسخ‌های روشن و درخور بیابند. در آغاز ضرور است پیرامون اهمیت و ضرورت این بحث توضیح کوتاهی داده شود.

اهمیت و ضرورت بحث معرفت شناسی قرآن

از نگاه بیرون دینی، قرآن یک متن (text) و یک کتاب است، مانند دیگر کتاب‌ها و آثار مَدون و رایج و موجود در دست آدمیان. و یا در حوزه دین شناسی، قرآن متن مقدسی است مانند دیگر متون مقدس: اوستا، ریگ ودا، اوپانیشادها، تورات، انجیل و امثال آنها. از این منظر، این متن نیز مشمول تمام قواعدی است که در فهم و تفسیر دیگر مکتوبات و متون رعایت می‌شود.

اگر از این زاویه (زاویه نگاه بیرون دینی و چگونگی فهم متن) به قرآن نظر کنیم، لازم است قبل از ورود به متن قرآن و تفسیر ایمانی و درون دینی آن، این قواعد را بشناسیم و به یک سلسله پرسش‌های پیشامتنی پاسخ دهیم تا فهم و تفسیر متن ممکن شود و تا حداقل تفسیر ما در چهارچوب قواعد و معیارهای معرفتی و روشی اعلام شده و مورد توافق با مخاطبان، روشن و معنادار و قابل فهم و قابل داوری برای دیگران باشد. در واقع، بحث و گفتگو درباره این مبادی و یا معیارها، طرح و حل یک سلسله پرسش‌های تفسیری متن مقدس است. این کار را نوعی "معرفت شناسی قرآن" می‌نامیم. همان گونه که هر علمی برای خود، نوعی معرفت شناسی (شناخت شناسی) دارد: "منطق"، معرفت شناسی یا متدولوژی فلسفه است. "اصول"، معرفت شناسی و معیارهای پیشینی علم فقه و اجتهاد و استنباط احکام شرعی است و "هرمنوتیک"، علم روش فهم متن است.

به هر حال این یک قاعده و اصل عام است که برای ورود به هر علم یا هر نوع فهمِ متنی، اصول و مبادی و مقدمات و قواعدِ خاصی لازم است و حتماً باید به یک دسته پرسش‌های معینی پاسخ داد تا هم فهم ممکن شود و هم امکان انتقالِ آن فهم‌های روش‌مند به دیگران حاصل آید و هم در نهایت امکان نقد و داوری دربارهٔ آن فهم‌ها و تفسیرها و نظریه‌ها فراهم گردد. مثلاً اگر پیشاپیش موضوعِ یک علم و یا زبانِ آن روشن نباشد، چگونه می‌توان متنِ مکتوبِ آن علم را فهم و تفسیر کرد و یا دیگران، در صورتِ فقدانِ چنان معیاری، به داوری بنشینند؟

در موردِ یک متنِ مقدس و یا متنِ وحیانی تا معلوم نباشد که این متن چه موضوع و یا موضوعاتی را تعقیب می‌کند و غایت و هدفِ آن چیست و زبانِ آن کدام است (ادبی است یا فلسفی و یا علمی و یا ریاضی و یا حقوق و یا...)، نمی‌توان به تفسیرِ آن متن نشست، چرا که در این صورت نه تکلیفِ مفسر در تفسیرِ متن روشن است و نه تکلیفِ مخاطبان و بویژه منتقدان و داوران در مقامِ نقد و داوری.

گفتنی است که نگاهِ ما کاملاً بیرون دینی و عقلی است و اگر ارجاعاتی به قرآن باشد، صرفاً اتخاذِ سند است نه اتخاذِ دلیل و برهان برای اثباتِ اصلِ مدعا. گرچه نگاهِ بیرون دینی و درون دینی، الزاماً معارض نیستند و غالباً حتی مؤید و مکملِ یکدیگرند، اما موضوعات و پرسش‌هایی که ما در این سلسلهٔ مباحث و گفتارها بدان‌ها خواهیم پرداخت عبارتند از:

۱. جایگاه نگاهِ بیرون متنی به قرآن و نگاهِ درون متنی (دینی) به آن.
۲. حُجَّت و وثاقتِ تاریخی قرآن: از کجا مطمئن هستیم که این کتاب عیناً همان متنِ وحی شده بر محمد (ص) است و دخل و تصرفی در آن راه نیافته است؟ (تحریف یا عدم تحریف قرآن)
۳. زبانِ قرآن: قرآن چگونه متنی است؟ (ادبی، فلسفی، علمی، ریاضی، حقوقی، هنری و...)
۴. محتوای مضمونی قرآن (مطالب و موضوعات)

۵. نظمِ قرآن (آیا قرآن دارای یک نظمِ منطقی درونِ متنی است؟)
۶. هدف و یا اهدافِ قرآن (از قرآن چه انتظاری می‌رود؟)
۷. مفهومِ وحیانی بودنِ قرآن (وحی چیست و آیا قرآن لفظاً و معنأً وحی است و یا فقط معنأً؟)
۸. ارزشِ معرفتیِ قرآن (آیا قرآن اساساً دارای اعتبارِ معرفتی است؟ و اگر هست معرفتِ مستقل است؟)
۹. مفهومِ خاتمیتِ وحی و خاتمیتِ نبی (بسط و یا عدمِ بسطِ تجربه‌نبوی)
۱۰. نسبتِ قرآن و معارفِ بشری (علم، تجربه، شعر، هنر و... راه طی شده و یا نسبتِ راهِ انبیاء و راهِ بشر)
۱۱. مفهومِ اعجاز و معجزه بودنِ قرآن
۱۲. مفهومِ تحدیِ قرآن
۱۳. مفهومِ ذوبطون بودنِ قرآن و حجیتِ ظواهر
۱۴. ارتباطِ کتاب و سنت و جایگاهِ هر کدام در دین‌شناسی
۱۵. چرا از قرآن تفاسیر و برداشتهای مختلف پدید می‌آید؟
۱۶. تاثیر و یا عدمِ تاثیرِ فرهنگِ زمانه در قرآن
۱۷. تاریخت و نقد پذیری یا نقد ناپذیریِ قرآن

(قابل ذکر است که این فهرست و عناوین موقت است و لذا احتمال دارد دچار افزایش و یا کاهش شود)

جلسه دوم - ۱۳ مهر ۸۴

وثاقتِ تاریخیِ قرآن

پیش از هر چیز لازم است درباره "وثاقتِ تاریخیِ قرآن" بحث شود. در واقع این پرسش همواره مطرح بوده و هست که میزان اعتبار و وثاقتِ تاریخیِ قرآن تا چه اندازه‌ای است؟ آیا می‌توانیم مطمئن باشیم که قرآن موجود همان قرآن و کتابِ وحی شده بر محمد (ص) است و دخل و تصرفی در آن نشده و از افزونی یا کاستی و یا انواعِ دیگرِ تحریف در امان مانده است؟ در این جلسه پیرامونِ دو موضوع متفاوت اما مرتبط با هم سخن می‌گوییم: تاریخِ تدوینِ قرآن و مسألهٔ تحریف و یا عدمِ تحریفِ قرآن.

الف) تاریخِ تدوینِ قرآن

قرآن بنا بر مستنداتِ نقلیِ موجود، در سه مرحله "حفظ، تنظیم، و تدوین" شده و کمال یافته است:

۱. زمانِ پیامبر. در اینکه در زمانِ پیامبر قرآن به عنوانِ کتاب (بین الدفتین) تدوین یافته بود یا نه، محل تردید و اختلاف است، اما آنچه قطعی می‌نماید این است که در آن زمان دو کار انجام شده و به تدریج شکلِ نهاییِ بدان داده شده بود: یکی حفظِ قرآن به وسیلهٔ شمارِ زیادی از اصحاب و

قاریان، و دیگر، کتابتِ قرآن به وسیلهٔ کاتبانِ وحی. بویژه پیامبر توجه ویژه‌ای به حفظِ قرآن (حفظ به هر دو معنا) داشت و کاتبانی چند، با دقت و تحتِ نظارتِ پیامبر قرآن را می‌نوشتند.

۲. زمانِ ابوبکر. اندکی پس از رحلتِ نبیِ اکرم و در زمانِ خلافتِ ابوبکر، پیکارِ یمامه پیش آمد و در این جنگ شمارِ زیادی از حافظانِ قرآن کشته شدند. اصحاب و دیگر مسلمانان از اینکه با از دست رفتنِ حافظانِ موردِ اعتماد، قرآن دچارِ فراموشی و یا دگرگونی شود، بیمناک شدند. به خلیفه پیشنهاد شد قرآن را جمع آوری و در یک مجموعه (کتاب) گرد آورد. اما خلیفه اکراه داشت و گفت چگونه کاری که پیامبر نکرده است، ما بکنیم. اما با اصرارِ عُمَر، ابوبکر دستور داد که قرآن جمع آوری و مدون شود. در این دوره قرآن شکلِ کتاب پیدا کرد. منبع و محورِ کار نیز، حفظِ حافظان، قرآن‌های مکتوب و پراکنده و از جمله قرآنِ مکتوب و برجا مانده در خانهٔ پیامبر بود.

۳. زمانِ عثمان. خزیمه بن یمان، مأمورِ آذربایجان در زمانِ عثمان، خبر داد که اختلافاتی در میانِ مسلمانان در موردِ قرآن آشکار شده و این کار منشأ مشکلاتِ عظیم خواهد شد. عثمان که خود نیز این اختلافات را احساس کرده بود، تصمیم گرفت مُصحفِ واحدی پدید آورد. او به عده‌ای از اصحاب و کاتبانِ وحی دستور داد این کار را با دقت و به صورتِ جمعی انجام دهند، که دادند. معیارِ همان قرآنِ ابوبکر بود، اما از قرآن‌های مکتوبِ زمانِ پیامبر نیز استفاده شد. این قرآن با رسمیت دادن به قرائت‌های هفتگانه تدوین شد.

جمع بندی: از مجموع رویدادها و روایت‌های تاریخی می‌توان به این نتیجهٔ قطعی رسید که در قرآن دخل و تصرفی نشده و همان قرآنِ مکتوب و محفوظِ زمانِ پیامبر به دست ما رسیده و بدین ترتیب از طریقِ تواتر، وثاقتِ تاریخیِ قرآنِ مسلم می‌نماید. بویژه اگر با تاریخِ متونِ مقدسِ مذهبیِ دیگر مقایسه شود.

ب) تحریف قرآن

گرچه با بررسی تاریخ تدوین قرآن، احتمال تحریف قرآن نیز منتفی می‌شود، اما از آنجا که موضوع تحریف و یا عدم تحریف قرآن مسأله مهمی است و مدعیانی نیز دارد، جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم.

تحریف به معنای عدول و گشتن از چیزی و یا تغییر و تبدیل است. (یحرّفون الکلمة عن مواضعه - نساء / ۴۶ و مائده / ۱۱۳)

تحریف در ارتباط با قرآن، سه گونه است: افزایش، کاهش و قرائت.

گرچه امروز عدم تحریف قرآن یک فکر اجماعی مسلمانان است، در عین حال در گذشته کسانی (عمدتاً از شیعیان) معتقد بودند از قرآن آیاتی حذف شده است (تحریف به نقصان). آخرین ایشان محدث نوری در سده چهاردهم هجری است که در کتاب خود "فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب" مدعی شده است که آیات قابل توجهی در قرآن صرفاً درباره امام علی و به طور کلی مسأله ولایت و امامت، در همان آغاز تدوین قرآن حذف شده است. ایشان دوازده دلیل برای اثبات مدعای خود آورده است. در این فصل به موضوع تحریف قرآن رسیدگی می‌شود و به شماری از دلایل مهمتر محدث نوری و جواب‌های آنها اشاراتی می‌کنیم. گفتنی است که تاکنون، به گفته‌ای، حدود دویست رد و نقد بر کتاب مذکور نوشته شده است.

جمع بندی: دلایل مدعیان تحریف - بویژه تحریف مربوط به امامت شیعی - واقعا سست‌تر از آنند که قابل بحث و توجه باشند. از این رو قاطعانه می‌توان گفت که قرآن دچار هیچ نوع تحریف نشده و می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که قرآن مسلمانان همان است که بر پیامبر وحی شده و آن آیات و حیاتی همان است که در زمان پیامبر و در صدر اسلام بوده و لذا قرآن از نظر وثاقت تاریخی و متنی یک استثنا در میان متون مقدس مذهبی ادیان موجود است.